



نگاهی به کارنامه اقتصادی دولت چاوز

در طول یک دهه (۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸)

آرمان پویان

فهرست	صفحه
مقدمه	۱
نتایج کلیدی	۲
رشد اقتصادی	۳
* اجزای رشد اقتصادی	۶
فقر و نابرابری	۸
درمان و آموزش	۹
* آموزش و پرورش	۱۱
بازار کار و تأمین اجتماعی	۱۲
* بازار کار	۱۲
* تأمین اجتماعی	۱۳
مالیه دولت و حساب جاری	۱۴
تورّم و نرخ مبادله ارز	۱۶

نگاهی به کارنامه اقتصادی دولت چاوز

در طول یک دهه (۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸)

خبر درگذشت هوگو چاوز، رئیس جمهور ۵۸ ساله ونزوئلا در روز سه شنبه ۵ مارس، از سوی مادورو، معاون وی، رسماً اعلام شد. به دنبال انتشار این خبر، بحث های فراوانی حول عملکرد اقتصادی و سیاسی (در عرصه ملی و بین المللی) دولت چاوز، هم از سوی نیروهای راست و هم در طیف چپ رخ داده است. در این جا تلاش می شود تا کارنامه اقتصادی مختصری از دوران حضور چاوز در قدرت به دست داده شود. برای این منظور، بهتر آن است که دوره ۱۴ ساله قدرت چاوز، طی یک تقسیم بندی کلی، در دو بخش در نظر گرفته شود:

بخش نخست از اوایل سال ۱۹۹۹، یعنی شروع دور رسمی ریاست جمهوری چاوز، آغاز و به سال ۲۰۰۸ ختم می شود (تقریباً یک دهه)؛ و بخش دوم، بازه ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ را دربر می گیرد.

علت این تقسیم بندی آن است که جهان سرمایه داری از اوایل سال ۲۰۰۸ تاکنون در حال تجربه یکی از شدیدترین بحران های اقتصادی خود بوده است، و به دلیل تأثیرات مستقیم این بحران بر اقتصاد ونزوئلا، لازم است که عملکرد دولت چاوز طی این دوره برای مقابله با اثرات و پیامدهای منفی بحران، به صورت مجزا مورد بررسی قرار بگیرد. بنابراین مطلب پیش رو، صرفاً روی دوره یا بخش نخست زمامداری چاوز - که تقریباً یک دهه کامل را دربر می گیرد - متمرکز می شود. طی این دوره، ونزئلا شاهد دگرگونی ها و تلاطمات سیاسی، اجتماعی و بالطبع اقتصادی فراوانی بوده است؛ مانند فراخوان های اعتصاب عمومی به رهبری «فدراسیون اتاق های بازرگانی» در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، و متعاقباً کودتایی در همین سال. به علاوه ضد انقلاب ارتجاعی و وابسته به اولیگارش و عناصر سرمایه داری، دست کم دو بار تلاش کرد تا با حمایت مستقیم امپریالیسم و به بهانه «تقلب انتخاباتی»، وضعیت هرج و مرج و آشوب را به وجود آورد (مانند فراندوم عزل چاوز در سال ۲۰۰۴، انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۶، فراندوم قانون اساسی در سال ۲۰۰۷ و نظایر این ها) برای بررسی عملکرد اقتصادی دولت طی این دوره (از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸)، نقطه اتکای اصلی، سال ۲۰۰۳ است؛ چرا که در این سال دولت چاوز کنترل شرکت نفتی PDVSA را در دست گرفت و همین امر منجر به آغاز ثبات و رشد پایدار اقتصادی تا سال ۲۰۰۸ (انتهای بخش اول مورد بررسی در این نوشته) شد. به همین دلیل در این نوشته دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، دوره **انبساط اقتصادی** معرفی شده است که بیشترین دستاوردهای اجتماعی مربوط به آن می شود.

در انتها باید یادآوری شود که این نوشته تماماً متکی بر پژوهش مارک و ایزبروت، ربکاری و لوئیس ساندوال زیر عنوان «حاکمیت چاوز در ۱۰ سال: شاخص های اقتصادی و اجتماعی»^۱ (فوریه ۲۰۰۹)، مرکز پژوهش اقتصادی و سیاسی (CEPR) است. اهمیت این پژوهش برای نوشته حاضر در آن است که اولاً داده های مورد استفاده آن به هیچ وجه مورد اختلاف نیست؛ و ثانیاً مؤسسه مذکور و نویسندگان آن صرفاً از جنبه آکادمیک متعارف و نه از زاویه اقتصاد مارکسیستی به بررسی این دوره پرداخته اند و همین موضوع هرگونه تردید مبنی بر «جانبداران» بودن این بررسی و نتایج آن را به کمترین سطح تقلیل می دهد. اما با این حال بررسی مارکسیستی ساختار اقتصادی-اجتماعی ونزئلا در طول دوره زمامداری چاوز و «انقلاب بولیواری» برای کسب درس ها و نتایج عملی، همچنان بیشترین اهمیت را برای ما دارد و این موردی است که سعی می شود در آینده نزدیک صورت بگیرد.

آرمان پویان

۱۷ اسفند ۱۳۹۱

¹ Mark Weisbrot, Rebecca Ray and Luis Sandoval, "The Chávez Administration at 10 Years: The Economy and Social Indicators", CEPR, Feb 2009:

نتایج کلیدی:

* انبساط اقتصادی اخیر زمانی آغاز شد که دولت، کنترل شرکت ملی نفت را در نخستین سه ماهه سال ۲۰۰۳ به دست گرفت. از آن زمان به بعد، تولید ناخالص داخلی واقعی (پس از تعدیل با تورم) با رشد ۹۴.۷ درصد در طول ۵ سال و سه ماه، یا سالانه ۱۳.۵ درصد، تقریباً به دو برابر افزایش یافت.

* قسمت اعظم این رشد در بخش غیر نفتی اقتصاد بوده، و بخش خصوصی با نرخ سریع‌تر از بخش عمومی رشد داشته است.

* در طول دوره انبساط اقتصادی، نرخ فقر به کمتر از نصف رسیده است، یعنی از ۵۴ درصد خانوارها در نیمه نخست سال ۲۰۰۳، به ۲۶ درصد در اواخر سال ۲۰۰۸. فقر مطلق به مراتب بیشتر، یعنی ۷۲ درصد، سقوط کرده است. این نرخ های فقر صرفاً درآمد نقدی را محاسبه می کنند، و در نتیجه افزایش دسترسی به بهداشت و درمان یا آموزش و پرورش را دربر نمی گیرند.

* در طول کل این دهه، شمار خانوارهای فقیر، ۳۹ واحد درصد، و فقر مطلق بیش از نصف کاهش یافته است.

* نابرابری، بر حسب ضریب جینی، نیز به طور قابل توجهی سقوط کرده است. این شاخص از ۴۸.۱ در سال ۲۰۰۳ و ۴۷ در سال ۱۹۹۹، به ۴۱ در سال ۲۰۰۸ کاهش داشته که این امر بیانگر کاهش عظیم در سطح نابرابری بوده است.

* هزینه سرانه اجتماعی واقعی (تعدیل شده با تورم) طی سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶، بیش از سه برابر شده است.

* از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶، مرگ و میر نوزادان بیش از یک سوّم کاهش یافته است. شمار پزشکان مراقبت های اولیه در بخش عمومی بین سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷، بیش از ۱۲ برابر افزایش یافته و همین امر موجب شد تا میلیون ها نفر از شهروندان ونزولا که سابقاً به این گونه خدمات دسترسی نداشتند، تحت پوشش قرار بگیرند.

* دستاوردهای قابل توجهی در آموزش و پرورش، به ویژه آموزش عالی، وجود داشته است. در بخش آموزش عالی، نرخ های ثبت نام ناخالص از ۱۹۹۹-۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷-۲۰۰۸، بیش از دو برابر شد.

* بازار کار نیز به طور قابل ملاحظه ای در طول یک دهه مزبور بهبود یافته است؛ به طوری که بیکاری از ۱۱.۳ درصد به ۷.۸ درصد رسید. در طول دوره انبساط اقتصادی، بیکاری به کمتر از نصف رسیده است. سایر شاخص های بازار کار نیز نشان دهنده دستاوردهای قابل توجهی طی این مقطع بوده است.

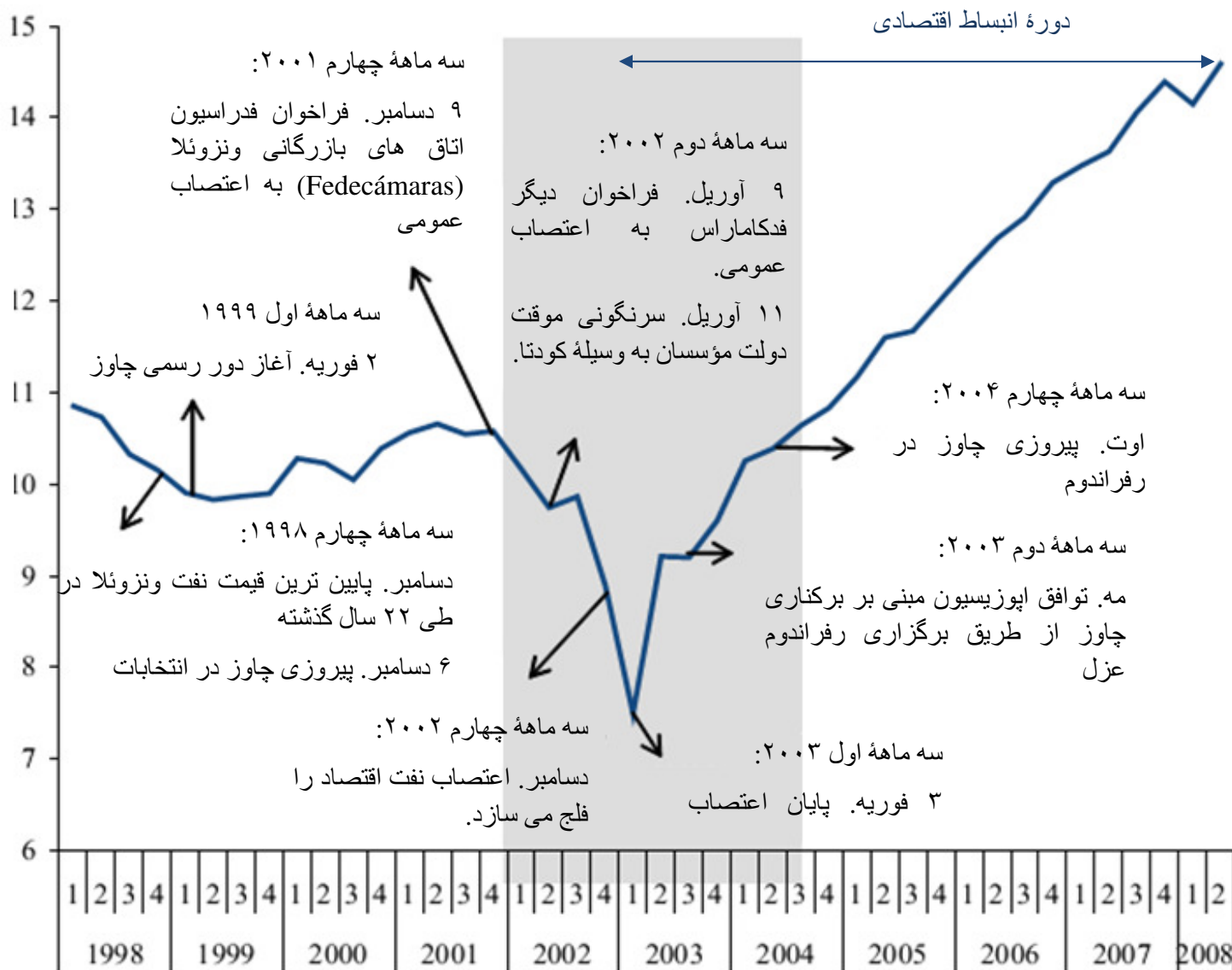
* در طول این یک دهه، کل بدهی عمومی دولت از ۳۰.۷ تولید ناخالص داخلی به ۱۴.۳ درصد کاهش یافته است. بدهی عمومی خارجی نیز با کاهشی به مراتب بیشتر، از ۲۵.۶ درصد تولید ناخالص داخلی به ۹.۸ درصد رسید.

رشد اقتصادی

نمودار ۱ نشان دهنده روند تولید ناخالص داخلی واقعی ونزویلا به تفکیک هر سه ماهه از سال ۱۹۹۸ تا سه ماهه دوم ۲۰۰۸ است. همان طور که این نمودار نشان می دهد، رشد اقتصادی شدیداً متأثر از شوک های مختلف، از جمله بی ثباتی سیاسی و اعتصاب ها، به نظر می رسد.

نمودار ۱

میلیارد بولیوار (به بولیوار سال ۱۹۹۷)



توضیح: منطقه سایه در نمودار زیر، بیانگر دوره رکود و رونق ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ است.

روش های مختلفی برای ارزیابی عملکرد رشد اقتصاد ونزوئلا در طول سال های زمامداری چاوز وجود دارد. یکی از این راه ها آن است که صرفاً نگاهی داشته باشیم به رشد تولید ناخالص داخلی از زمان آغاز ریاست جمهوری چاوز در نخستین سه ماهه سال ۱۹۹۹. آخرین داده های موجود (تعدیل شده فصلی) مربوط به سه ماهه دوم سال ۲۰۰۸ می شود. بر این اساس می توان گفت که اقتصاد در طول قریب به ۹ سال، حدود ۴۷.۴ درصد یا سالانه ۴.۳ درصد رشد داشته است. با در نظر داشتن تولید سرانه، این رقم حدود ۱۸.۲ درصد، یعنی سالانه ۱.۹ درصد بوده است. اگر چه این به معنای بهبودی عظیم نسبت به دو دهه سقوط اقتصادی تا پیش از روی کار آمدن چاوز است، با این حال رشد ملایم و اندکی است که کم و بیش مشابه نرخ های متوسط منطقه ای می باشد.

با این حال نگاه کردن به کل این دهه گمراه کننده است، چرا که دولت چاوز تا سه ماهه نخست ۲۰۰۳ هنوز کنترل شرکت نفتی PDVSA را در دست نگرفته بود. بنابراین طی چهار سال نخست، شرکت نفتی دولتی (PDVSA) که در آن مقطع بیش از نیمی از درآمد دولت و ۸۰ درصد عواید صادراتی را تشکیل می داد، اساساً از سوی کسانی اداره می شد که با دولت مخالف بودند. به علاوه، مدیران شرکت نیز در عمل از کنترل خود بر منابع و ذخایر حیاتی کشور برای بی ثبات سازی و حتی سرنگونی (موقتی) دولت استفاده نمودند. تحت چنین شرایطی، دولت آن گونه که می باید قادر به بهبود و تقویت رشد اقتصادی نبود.

بنابراین می توانیم رشد اقتصادی را از زمانی محاسبه کنیم که دولت کنترل PDVSA را به دست گرفت، یعنی سه ماهه نخست سال ۲۰۰۳. البته این محاسبه یک اشکال دارد، و آن این که بخشی از رشد از زمان مذکور، به دوره ای باز می گردد که اقتصاد از یک رکود عمیق به حالت سابق بازگشته است. با این وجود ارزیابی عملکرد دولت چاوز طی این مقطع، و نه کل دوره ده ساله، محاسبه صحیح تری به دست می دهد. این محاسبه از آن جهت نیز مناسب و مرتبط است که حتی بخش آغازین بهبود اقتصادی هم خود به تنهایی یک دستاورد دشوار و صعب الوصول برای دولت بوده است. چرا که در این مقطع، دولت نه با یک سیکل تجاری نرمال، که با یک رکود عمیق اقتصادی شامل خرابکاری و سابوتاژ قابل توجه در صنعت نفت، رو به رو بوده است. هنگامی که اعتصاب پایان گرفت، تحلیلگران یک بهبود آهسته و درناک را، همراه با مشکلات فراوان در بازگشت تولید نفت به وضع سابق، پیش بینی می کردند.

با نگاه به رشد اقتصادی از سه ماهه نخست ۲۰۰۳، می توان دید که تولید ناخالص داخلی واقعی به میزان ۹۴.۷ درصد در طول ۵.۲۵ سال، یا به عبارت دیگر با نرخ سالانه ۱۳.۵ درصد، رشد داشته است. بنا به مقیاس های تاریخی یا بین المللی، این یک نرخ رشد بسیار سریع محسوب می شود. با در نظر گرفتن سرانه تولید ناخالص داخلی، این رقم ۷۸.۸ درصد یا سالانه ۱۱.۷ درصد بوده است.

نهایتاً روش دیگر محاسبه رشد اقتصادی، به گونه ای که اثر بهبود یافتن از اعتصاب نفتی ۲۰۰۲-۲۰۰۳ را خنثی کند، این است که نقطه شروع را زمانی در نظر بگیریم که تولید ناخالص داخلی به نقطه اوج پیش از رکود خود رسیده باشد. این نقطه، سه ماهه سوم ۲۰۰۴ است. بر این اساس می توان مشاهده کرد که GDP طی ۳.۷۵ سال، ۳۷.۲ درصد یا به بیان دیگر سالانه ۸.۸ درصد رشد داشت. اگر GDP سرانه را در نظر بگیریم، این ارقام به ترتیب ۲۸.۲ و ۶.۸ خواهند بود. با این حال این ارقام نیز با توجه به مقیاس های جهانی یا تاریخی، بیانگر نرخ های بسیار سریع رشد هستند.

جدول ۱

نرخ های رشد GDP و نزوئلا در طول دوره های زمانی

رشد		سال های سپری شده	GDP		دوره
بر حسب نرخ سالانه	کلی		پایان	آغاز	
					GDP واقعی (میلیارد- بولیوار ۱۹۹۷)
۱۳.۵%	۹۴.۷%	۵.۲۵	۱۴.۶۰	۷.۵۰	سه ماهه اول ۲۰۰۳ - سه ماهه دوم ۲۰۰۸
۸.۸%	۳۷.۲%	۳.۷۵	۱۴.۶۰	۱۰.۶۴	سه ماهه سوم ۲۰۰۴ - سه ماهه دوم ۲۰۰۸
					GDP واقعی سرانه (به بولیوار ۱۹۹۷)
۱۱.۷%	۷۸.۸%	۵.۲۵	۵۲۲.۲۶	۲۹۲.۱۱	سه ماهه اول ۲۰۰۳ - سه ماهه دوم ۲۰۰۸
۶.۹%	۲۸.۲%	۳.۷۵	۵۲۲.۲۶	۴۰۷.۳۴	سه ماهه سوم ۲۰۰۴ - سه ماهه دوم ۲۰۰۸

بنابراین هر مقایسه معقولی نشان می دهد که تجربه رشد اقتصاد و نزوئلا در طول سال های زمامداری چاوز بسیار موفق بوده است. به علاوه اگر ما این را با دو دهه پیش از انتخاب چاوز مقایسه کنیم، یعنی زمانی که اقتصاد و نزوئلا عملاً از بدترین سقوط GDP سرانه در جهان طی این دوره ضربه دید، موفقیت رشد اقتصاد و نزوئلا در دوران چاوز بیش از پیش به اثبات خواهد رسید.

نمودار ۱ برخی جزئیات را در مورد نحوه تأثیرپذیری اقتصاد از شوک های برونی، به ویژه شوک های مرتبط با بی ثباتی سیاسی، نشان می دهد. هنگامی که چاوز رسماً دور ریاست جمهوری خود را آغاز کرد، قیمت های نفت در پایین ترین سطح در طول ۲۲ سال گذشته خود قرار داشتند؛ سال نخست، شاهد رشد منفی بود. این روند از سه ماهه نخست ۲۰۰۰ معکوس شد و اقتصاد تا سه ماهه سوم ۲۰۰۱، یعنی دوره بی ثباتی شدید سیاسی، به رشد ادامه داد. اتاق بازرگانی و نزوئلا در دسامبر ۲۰۰۱ به سازماندهی یک اعتصاب عمومی علیه دولت در سطح بازار و صنایع دست زد. این بی ثباتی سیاسی که خود به خروج سرمایه انجامید، تا آوریل ۲۰۰۲ ادامه داشت، و این همان زمانی بود که حکومت طی یک کودتای نظامی سرنگون گشت. حکومت مؤسسان طی ۴۸ ساعت بازگردانده شد، اما به دلیل تلاش های اپوزیسیون برای سرنگونی حکومت، ثبات بازنگشت. رشد اقتصادی در طول تابستان و پاییز ۲۰۰۲ منفی باقی ماند، و سپس اقتصاد ضربه ای دیگر از اعتصاب نفت به رهبری اپوزیسیون در بازه دسامبر ۲۰۰۲ - فوریه ۲۰۰۳ خورد. این وضعیت، اقتصاد را به ورطه یک رکود وخیم کشاند که طی آن و نزوئلا نزدیک به ۲۴ درصد از GDP خود را از دست داد. اقتصاد در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۳ بهبود خود را آغاز کرد، و از آن زمان به بعد رشد بسیار سریعی را تجربه نمود (به استثنای یک کاهش در سه ماهه نخست ۲۰۰۸).

• اجزای رشد اقتصادی

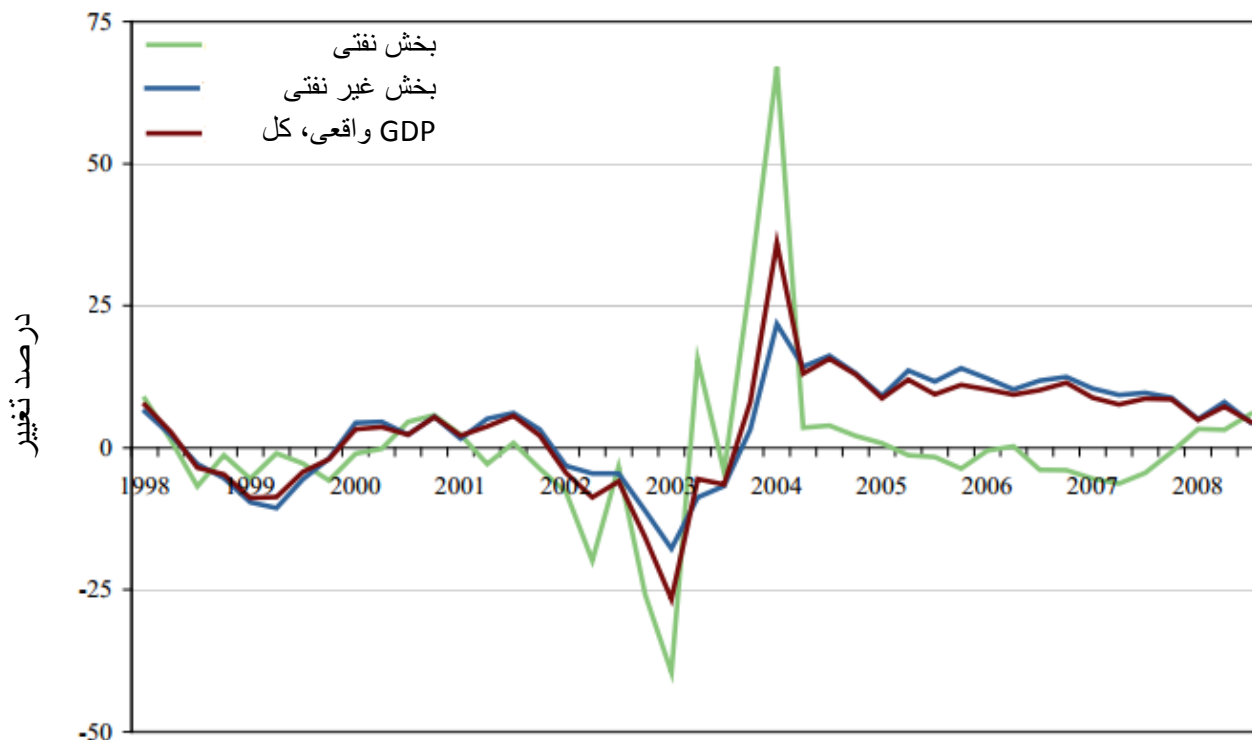
همان طور که نمودار ۲ و جدول ۲ نشان می دهد، بخش غیر نفتی، قسمت اعظم رشد اقتصادی از سال ۲۰۰۳ به بعد را شکل داده است. در واقع بخش نفتی پس از یک جهش ۱۳.۷ درصدی در سال ۲۰۰۴ (به دلیل پایان اعتصاب نفت و بازگشت تولید به روال معمول)، شاهد رشد منفی در سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ بود. با این حال حتی در سال ۲۰۰۴ نیز بخش غیر نفتی به مراتب سریع تر از بخش نفتی رشد داشت.

با وجود گسترش دولت در طول سال های چاوز، رشد بخش خصوصی سریع تر از بخش عمومی بود. این موضوع در طول دوره رشد اقتصادی پس از ۲۰۰۳ نیز صادق بوده، البته به استثنای سال ۲۰۰۸ که طی آن تقریباً کل رشد اقتصادی در طول سه سه ماهه نخست سال نتیجه بخش عمومی بوده است.

آن دسته از بخش های اقتصاد با سریع ترین نرخ های رشد عبارت بوده اند از: مالیه و بیمه (با رشد ۲۵۷.۴ درصد در طول دوره انبساط اقتصادی یا به طور متوسط سالانه ۲۶.۱ درصد)؛ ساخت ساز (با رشد ۱۵۹.۴ درصد یا سالانه ۱۸.۹ درصد)؛ تجارت و خدمات تعمیری (۱۵۲.۸ درصد یا سالانه ۱۸.۴ درصد)؛ حمل و نقل و انبارداری (۱۰۴.۹ درصد یا سالانه ۱۳.۹ درصد)؛ و مخابرات (۱۵۱.۴ درصد، یا سالانه ۱۸.۳ درصد). در طول دوره انبساط اقتصادی، بخش تولید و ساخت کالا ۹۸.۱ درصد یا به بیان دیگر سالانه ۱۳.۲ درصد رشد کرد.

نمودار ۲

رشد GDP، درصد تغییر واقعی در هر سه ماهه نسبت به سه ماهه مشابه سال قبل، به تفکیک بخش



جدول ۲.

وزوئلا: رشد به تفکیک بخش ها (۱۹۹۸-۲۰۰۷) (درصد تغییر واقعی)

۲۰۰۸ (الف)	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	
۵.۶	۸.۴	۱۰.۳	۱۰.۳	۱۸.۳	-۷.۸	-۸.۹	۳.۴	۳.۷	-۰.۶	۰.۳	GDP واقعی، کل
۱۸.۸	۷.۷	۳.۶	۲.۸	۱۲.۵	-۱.۳	-۱۱.۱	-۰.۶	۳.۰	-۰.۲	-۲.۱	عمومی
۰.۲	۷.۳	۱۱.۹	۱۲.۹	۱۷.۲	-۸.۹	-۰.۸	۴.۹	۴.۲	-۶.۹	۱.۱	خصوصی
۴.۱	-۴.۲	-۲.۰	-۱.۵	۱۳.۷	-۱.۹	-۱۴.۲	-۰.۹	۲.۳	-۳.۸	۰.۳	بر حسب فعالیت اقتصادی
											بخش نفتی
											بخش غیر نفتی
۰.۴	۲.۰	۲.۰	۳.۰	۱۴.۲	-۴.۴	۴.۳	۲.۸	۱۵.۳	-۱۲.۱	-۷.۵	معادن
۲.۰	۷.۲	۷.۲	۱۱.۱	۲۱.۴	-۶.۸	-۱۳.۱	۳.۷	۵.۱	-۱۰.۱	-۱.۴	تولید و ساخت کالا
۳.۶	۲.۴	۲.۴	۱۱.۲	۸.۵	-۰.۵	۲.۱	۴.۸	۴.۷	-۲.۲	۰.۵	عرضه برق و آب
۷.۶	۱۳.۳	۱۳.۳	۲۰.۰	۲۵.۱	-۳۹.۵	-۸.۴	۱۳.۵	۴.۰	-۱۷.۴	۱.۴	ساخت و ساز
۵.۴	۱۶.۹	۱۶.۹	۲۱.۰	۲۸.۶	-۹.۶	-۱۳.۶	۴.۶	۵.۷	-۵.۴	-۱.۵	تجارت و خدمات تعمیری
۳.۵	۱۳.۵	۱۳.۵	۱۴.۷	۲۴.۶	-۸.۰	-۱۰.۴	-۱.۳	۱۲.۵	-۱۵.۳	-۵.۲	حمل و نقل و انبارداری
۲۱.۳	۲۰.۰	۲۰.۰	۲۲.۴	۱۲.۹	-۵.۰	۲.۵	۸.۱	۲.۱	۳.۶	۸.۲	مخابرات
-۵.۲	۱۷.۰	۱۷.۰	۳۶.۴	۳۷.۹	۱۱.۹	-۱۴.۵	۲.۸	-۰.۷	-۱۵.۲	۰.۲	مالیه و بیمه
۳.۲	۶.۶	۶.۶	۷.۹	۱۱.۱	-۰.۶	-۰.۷	۳.۵	۰.۸	-۴.۷	۰.۷	املاک
											خدمات محله ای و شخصی
۹.۱	۱۰.۹	۱۰.۹	۸.۲	۹.۴	-۰.۳	۰.۱	۲.۱	۰.۹	-۱.۷	۰.۳	و غیر انتفاعی
۴.۴	۵.۰	۵.۰	۸.۰	۱۱.۱	۴.۹	-۰.۴	۲.۵	۲.۸	-۴.۸	-۰.۶	خدمات عمومی دولتی
۵.۴	۵.۱	۵.۱	۱۲.۶	۷.۲	-۲.۹	-۱.۰	۱.۸	۵.۲	۰.۵	۳.۰	سایر ب
											بر پایه مخارج
۵.۶	۵.۱	۶.۷	۱۰.۷	۱۴.۲	۵.۷	-۲.۵	۶.۹	۴.۲	-۷.۵	-۳.۱	مصرف نهایی دولت
۸.۳	۱۸.۷	۱۷.۹	۱۵.۷	۱۵.۴	-۴.۳	-۷.۱	۶.۰	۴.۷	-۱.۷	۱.۸	مصرف نهایی خصوصی
-۱.۵	۲۶.۶	۳۱.۶	۳۰.۵	۹۱.۳	-۳۵.۵	-۳۴.۰	۱۳.۶	۶.۷	-۱۰.۶	۴.۴	تشکیل سرمایه ناخالص
-۰.۴	-۵.۶	-۴.۵	۳.۸	۱۳.۷	-۱۰.۴	-۴.۰	-۳.۵	۵.۸	-۱۱.۰	۳.۵	صادرات کالاها و خدمات
۳.۸	۳۳.۶	۳۱.۱	۳۵.۲	۵۷.۷	-۲۰.۹	-۲۵.۲	۱۴.۱	۱۲.۴	-۹.۳	۱۱.۳	واردات کالاها و خدمات

الف. رشد در طی سه سدها نخست سال ۲۰۰۸ در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۰۷

ب. شامل کشاورزی خصوصی، رستوران ها و هتل های خصوصی و فعالیت های مختلف بخش عمومی.

فقر و نابرابری

همان طور که می توان در **جدول ۳** مشاهده کرد، فقر و فقر مطلق در طول دوره انبساط اقتصادی، شاهد کاهش چشمگیری بوده است. درصد خانوارهای فقیر به کمتر نصف کاهش یافت، و از ۵۴ درصد در نیمه نخست ۲۰۰۳ به تقریباً ۲۶ درصد در اواخر ۲۰۰۸ رسید. درصد خانوارهای مشمول فقر مطلق به مراتب بیشتر تنزل یافت: یعنی یک کاهش ۷۲ درصدی، و رسیدن به ۷ درصد کل خانوارها. این یک دستاورد قابل ملاحظه است که ونزولا را در آستانه دستیابی به ریشه کن ساختن فقر مطلق قرار داده (سازمان ملل نیز در قالب اهداف توسعه هزاره خواهان کاهش فقر مطلق به نصف در طول دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ بوده است).

اگر به نیمه نخست سال ۱۹۹۹ را نقطه شروع بگیریم، می توانیم ببینیم که درصد خانوارهای فقیر، ۳۹ درصد کاهش یافته (از ۴۲.۸ به ۲۶ درصد). طی همین دوره، فقر مطلق نیز از ۱۶.۶ درصد به کمتر از نصف (۷ درصد) رسیده است.

نابرابری نیز، بر حسب شاخص جینی، شاهد سقوط قابل توجهی بوده است. شاخص جینی از زمان انتخاب چاوز، با تقریباً ۶ واحد کاهش، از ۴۶.۹۹ به ۴۰.۹۹ رسیده است. در دوره انبساط اقتصادی (یعنی از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸) این کاهش بزرگ تر بوده است، چیزی بالغ بر ۷ واحد، یعنی از ۴۸.۱۱ به ۴۰.۹۹. برای آن که تصویر روشن تری نسبت به ابعاد این تغییر در توزیع درآمد داشته باشید، کافی است که آن را با یک روند مشابه، ولی در جهت مخالف، مقایسه کنید: شاخص جینی برای ایالات متحده طی سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵، از ۴۰.۳ به ۴۶.۹ افزایش یافت؛ یعنی طی این دوره بازتوزیع درآمد در ایالات متحده اساساً رو به بالا بوده است.

جدول ۳.

فقر، فقر مطلق، و نابرابری، ۱۹۹۵-۲۰۰۷

سال	دوره زمانی	خانوارها (درصد کل خانواده های اعلام شده)		جمعیت (درصد کل جمعیت اعلام شده)		نابرابری شاخص جینی
		فقر	فقر مطلق	فقر	فقر مطلق	
۱۹۹۵	نیمه اول	۵۴.۷۰	۲۴.۵۰	.	.	۴۶.۷۸
	نیمه دوم	۵۳.۲۰	۲۳.۸۰	.	.	۴۷.۸۲
۱۹۹۶	نیمه اول	۷۰.۸۰	۳۹.۵۰	.	.	۴۸.۷۸
	نیمه دوم	۶۴.۳۰	۳۲.۷۰	.	.	۴۹.۲۲
۱۹۹۷	نیمه اول	۵۵.۶۰	۲۵.۴۷	۶۰.۹۰	۲۹.۵۱	۴۶.۹۶
	نیمه دوم	۴۸.۱۰	۱۹.۳۲	۵۴.۵۰	۲۳.۳۷	۴۸.۹۸
۱۹۹۸	نیمه اول	۴۹.۰۰	۲۱.۰۱	۵۵.۴۰	۲۴.۶۶	۴۸.۶۵
	نیمه دوم	۴۳.۹۰	۱۷.۰۶	۵۰.۴۰	۲۰.۳۴	۴۷.۰۲
۱۹۹۹	نیمه اول	۴۲.۸۰	۱۶.۶۰	۵۰.۰۰	۱۹.۸۶	۴۶.۹۳
	نیمه دوم	۴۲.۰۰	۱۶.۸۹	۴۸.۷۰	۲۰.۱۵	۴۸.۵۱
۲۰۰۰	نیمه اول	۴۱.۶۰	۱۶.۶۵	۴۸.۳۰	۱۹.۴۹	۴۷.۷۲
	نیمه دوم	۴۰.۴۰	۱۴.۸۹	۴۶.۳۰	۱۸.۰۲	۴۵.۰۷
۲۰۰۱	نیمه اول	۳۹.۱۰	۱۴.۱۷	۴۵.۵۰	۱۷.۳۶	۴۵.۳۷
	نیمه دوم	۳۹.۰۰	۱۴.۰۴	۴۵.۴۰	۱۶.۹۴	۴۷.۷۲
۲۰۰۲	نیمه اول	۴۱.۵۰	۱۶.۵۸	۴۸.۱۰	۲۰.۱۳	۴۹.۴۴
	نیمه دوم	۴۸.۶۰	۲۱.۰۴	۵۵.۴۰	۲۵.۰۳	۴۷.۹۸
۲۰۰۳	نیمه اول	۵۴.۰۰	۲۵.۰۹	۶۱.۰۰	۳۰.۲۲	۴۸.۱۱

۴۶.۴۷	۲۹.۷۵	۶۲.۱۰	۲۵.۰۳	۵۵.۱۰	نیمه دوم	
۴۵.۵۰	۲۸.۱۰	۶۰.۲۰	۲۳.۴۶	۵۳.۱۰	نیمه اول	۲۰۰۴
۴۵.۴۰	۲۲.۵۰	۵۳.۹۰	۱۸.۶۰	۴۷.۰۰	نیمه دوم	
۴۷.۴۸	۲۰.۳۰	۴۸.۸۰	۱۷.۰۰	۴۲.۴۰	نیمه اول	۲۰۰۵
۴۷.۷۱	۱۷.۸۰	۴۸.۷۰	۱۵.۳۰	۳۷.۹۰	نیمه دوم	
۴۴.۲۲	۱۲.۹۰	۳۹.۷۰	۱۰.۶۰	۳۳.۹۰	نیمه اول	۲۰۰۶
۴۳.۷۰	۱۱.۱۰	۳۶.۳۰	۹.۱۰	۳۰.۶۰	نیمه دوم	
۴۲.۳۷	۹.۴۱	۳۳.۰۷	۷.۶۳	۲۷.۴۶	نیمه اول	۲۰۰۷
۴۲.۱۱	۹.۶۰	۳۳.۶۰	۷.۹۰	۲۸.۵۰	نیمه دوم	
۴۰.۹۹	۹.۵۰	۳۱.۵۰	۷.۰۰	۲۶.۰۰		۲۰۰۸

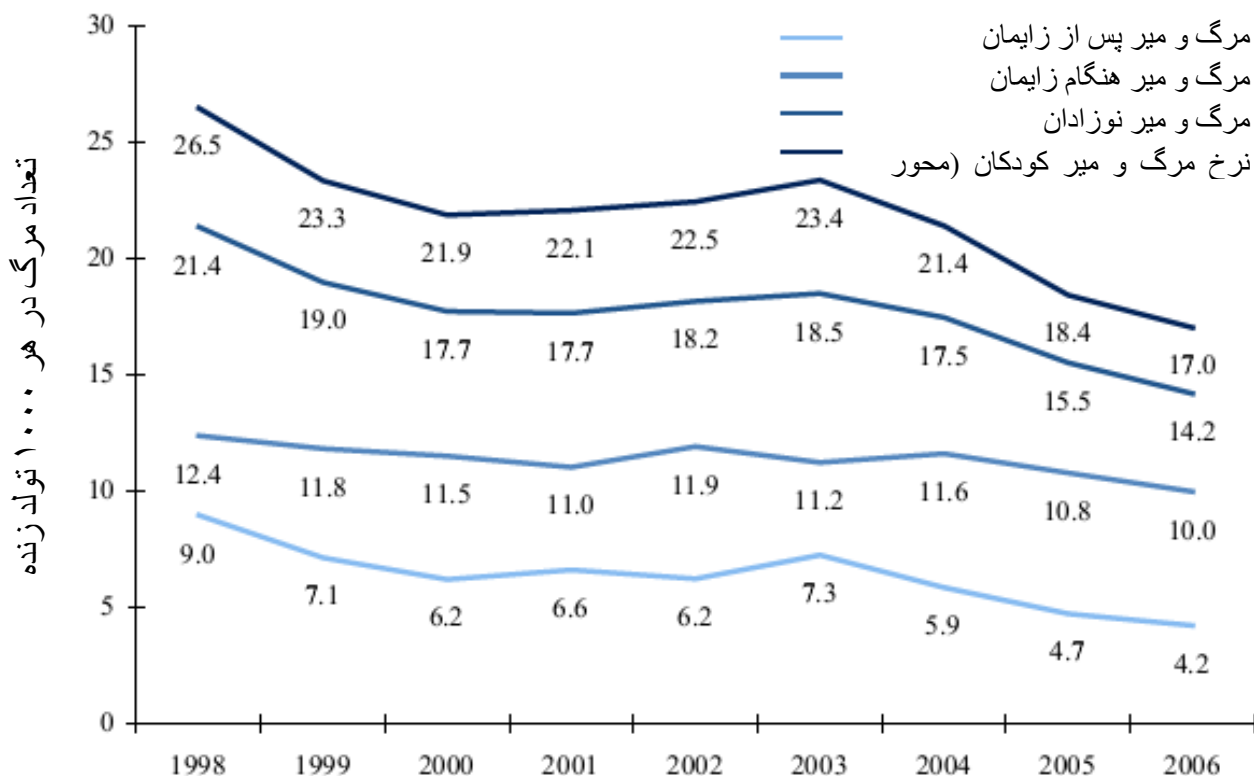
* آمار سال ۲۰۰۸ در این جدول مقدماتی است.

درمان و آموزش

• بهداشت و درمان

مردم ونزونلا، و به ویژه کودکان، از سیاست های اجتماعی دولت در طول دهه مورد بررسی به واسطه پیامدهای بهبود وضعیت سلامت جامعه منتفع شده اند. همان طور که نمودار ۴ نشان می دهد، مرگ و میر نوزادان بالغ بر یک سوم کاهش یافته و طی این مدت از ۲۱.۴ به ۱۴.۲ مرگ در هر ۱۰۰۰ تولد زنده رسیده است. به همین ترتیب، مرگ و میر کودکان بالغ بر یک سوم کاهش یافته (از ۲۶.۵ به ۱۷ مرگ در هر ۱۰۰۰ تولد زنده). بیشترین منفعت برای کودکان بین سنین ۱ تا ۱۱ ماهه بوده است: مرگ و میر پس از زایمان، با رسیدن از ۹ به رقم ۴.۲ مرگ در هر ۱۰۰۰ تولد زنده، به کم تر از نصف کاهش یافته است.

نمودار ۴



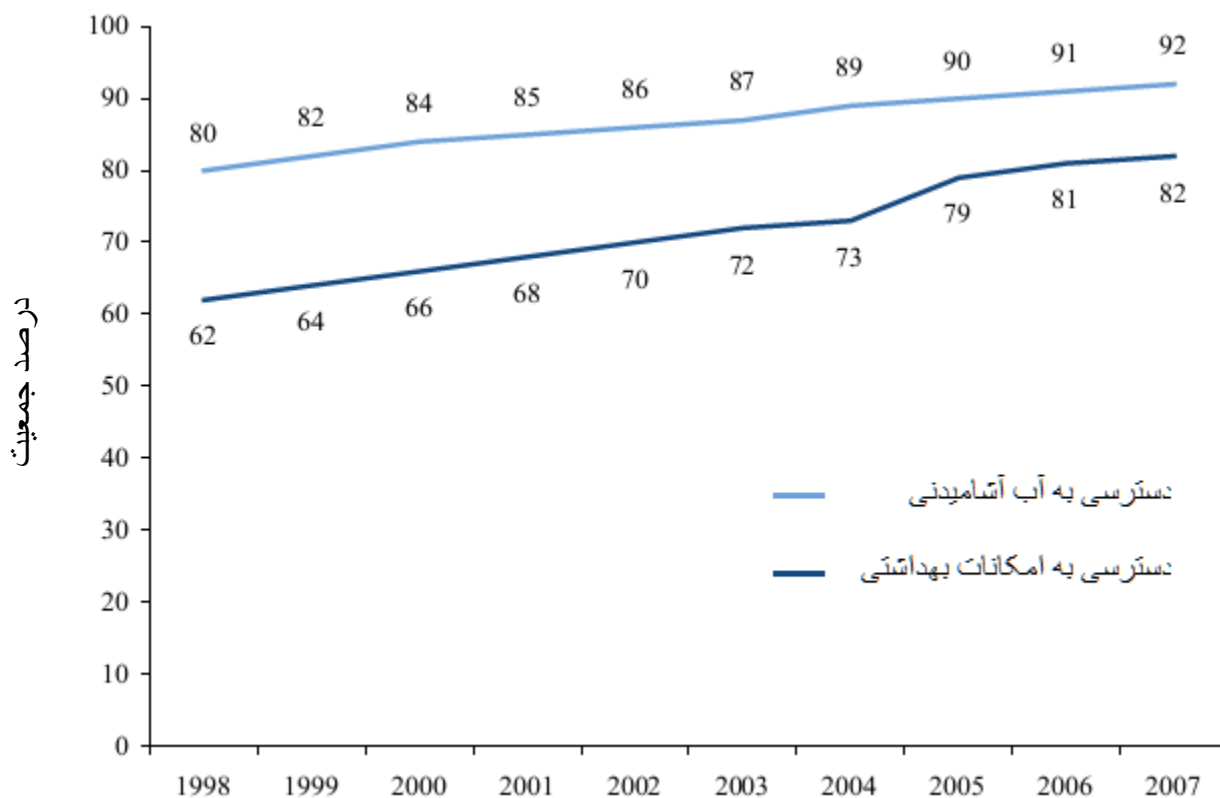
مرگ و میر نوزادان، شامل کودکان زیر یک سال، مرگ و میر هنگام زایمان، شامل کودکان زیر یک ماه، و مرگ و میر پس از زایمان شامل کودکان بین ۱ تا ۱۱ ماهه، و مرگ و میر کودکان، شامل کودکان زیر پنج سال سن می شود.

مردم ونزوئلا شاهد بهبود مشابهی در زمینه امنیتی غذایی نیز بوده اند. متوسط ورودی کالری، از ۹۱ درصد سطوح توصیه شده در سال ۱۹۹۸ به ۱۰۱.۶ درصد در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است. حتی مهم تر از آن، در دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶، مرگ های مرتبط با سوء تغذیه بالغ بر ۵۰ درصد کاهش یافته و از ۴.۹ به ۲.۳ مرگ در هر ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. دو برنامه جدید به دستیابی به این هدف یاری رسانده است: اول، برنامه تغذیه مدارس (PAE)، شامل ارائه صبحانه، ناهار و میان وعده های رایگان، که از سال ۱۹۹۹ و با ارائه خدمات به ۲۵۰ هزار دانش آموز آغاز گردید و در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۴ میلیون دانش آموز را پوشش داده بود. دوم، شبکه زنجیره های غذایی دولتی مرکال (Mercal) که از سال ۲۰۰۳ آغاز به کار کرد. میزان فروش مواد غذایی بسیار ارزان این شبکه از ۴۵ هزار و ۶۶۲ تن در سال ۲۰۰۳، به سطح ۱.۲۵ میلیون تن در سال ۲۰۰۸ رسید.

به علاوه دسترسی بخش بیشتری از مردم ونزوئلا به آب آشامیدنی و امکانات بهداشتی در مقایسه با دوران پیش از انتخاب چاوز، در بهبود وضعیت سلامت جامعه تأثیر داشته است. همان طور که نمودار ۵ نشان می دهد، در سال ۱۹۸۰، حدود ۸۰ درصد از مردم ونزوئلا به آب آشامیدنی و ۶۲ درصد به امکانات بهداشتی دسترسی داشتند. در سال ۲۰۰۷، ۹۲ درصد به آب آشامیدنی و ۸۲ درصد به امکانات بهداشتی دسترسی پیدا کردند. بنابراین در مقایسه با سال ۱۹۹۸، حدوداً ۴ میلیون شهروند دیگر ونزولایی از آب آشامیدنی سالم، و بالغ بر پنج میلیون نفر دیگر از امکانات بهداشتی برخوردار شده اند.

نمودار ۵

دسترسی به آب آشامیدنی و امکانات بهداشتی، ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷



این دستاوردها، به واسطه گسترش قابل توجه میزان دسترسی به مراقبت های پزشکی تسهیل شده است. از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷، شمار پزشکان مراقبت های اولیه در بخش عمومی، بیش از ۱۲ برابر شد و از ۱۶۲۸ به ۱۹۵۷۱ نفر رسید. در سال ۱۹۸۸، تعداد اتاق اورژانس، ۴۷ مرکز توانبخشی، و ۱۶۲۸ مرکز مراقبت های اولیه وجود داشت، در حالی که تا فوریه ۲۰۰۷، تعداد اتاق های اورژانس به ۷۲۱، مراکز توانبخشی به ۴۴۵ و مراکز مراقبت های اولیه به ۸۶۲۱ (شامل ۶۵۰۰ کیلینیک محله ای، اغلب در محله های فقیر) افزایش یافته بود. این مراکز درمانی محله ای جدید بالغ بر ۲۵۰ میلیون مراجعه پزشکی و درمانی داشته اند (یعنی هر یک تقریباً ۳۷ هزار مراجعه از زمان آغاز برنامه). از سال ۲۰۰۴ به این سو، ۳۹۹،۶۶۲ نفر مورد جراحی موفق چشم قرار گرفته اند و این امر سبب بازگشت بینایی آن ها شده است. در سال ۱۹۹۹، شمار بیماران مبتلا به HIV که از دولت داروهای ضد ریترو ویروس دریافت می کردند، به ۳۵۵ مورد می رسید؛ در حالی که در سال ۲۰۰۶، این رقم به ۱۸،۵۳۸ مورد رسیده بود.

• آموزش و پرورش

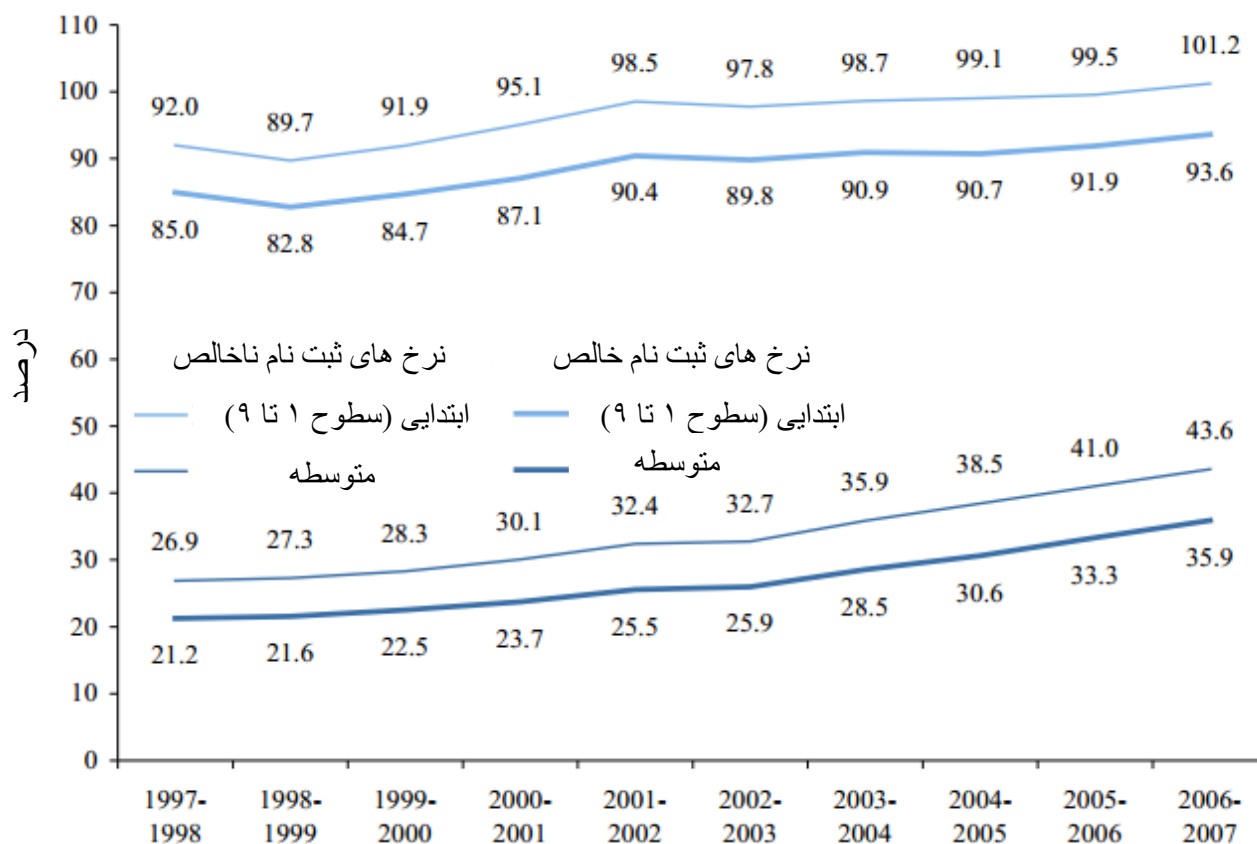
بهبود آموزش، هم برای دانش آموزان جوان و هم دانش آموزان به اصطلاح سنین غیر سنتی مشهود بوده است. همان طور که نمودار ۷ نشان می دهد، طی بازه ۹۷-۹۸ تا ۲۰۰۶-۲۰۰۷، ثبت نام در سنین سنتی به طور قابل ملاحظه ای افزایش داشته است. طی دوره زمانی مذکور، ثبت نام خالص در مقطع ابتدایی (سطوح ۱ تا ۹) از ۸۵ درصد به ۹۳.۶ رسیده و ثبت نام در مقطع متوسطه نیز با رشدی به مراتب بیشتر، از یک پنجم به یک سوم جمعیت صعود کرده است.

افزایش در ثبت نام مقطع ابتدایی بیانگر ۸.۶ درصد از کودکان ۵ تا ۱۴ سال، یا تقریباً نیم میلیون کودک در مدارس است که در غیر این صورت فاقد آموزش می بودند. برای تحصیلات متوسطه، افزایش به معنای آن است که ۱۴.۷ درصد از کودکان سنین ۱۵ تا ۱۹ ساله، یا تقریباً ۴۰۰ هزار کودک، قادر بوده اند تا مستقیماً به دلیل بهبود سرمایه گذاری اجتماعی، در مدرسه باقی بمانند.

بزرگ ترین دستاورد در تحصیلات عالی بوده است: از سال تحصیلی ۱۹۹۹-۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶-۲۰۰۷، ثبت نام ۸۶ درصد افزایش یافته است؛ تخمین های سال تحصیلی ۲۰۰۷-۲۰۰۸، این افزایش را نسبت به سال پایه ۱۹۹۹-۲۰۰۰، به ۱۳۸ درصد می رساند.

به علاوه، دولت چاوز مأموریت ریباس (Ribas) را برای ارائه تحصیلات متوسطه به دانش آموزان بزرگسالانی که سابقاً ترک تحصیل نموده بودند، آغاز کرد. مأموریت ریباس از سال ۲۰۰۳ آغاز شد و نخستین دانش آموزان آن در سال ۲۰۰۵ فارغ التحصیل شدند. در سه سال نخست این مأموریت، این برنامه موفق شد تا بالغ بر نیم میلیون دانش آموز را فارغ التحصیل کند (یعنی چیزی در حدود ۳ درصد از جمعیت بزرگیال کشور). دولت همچنین دست به یک برنامه وسیع سوادآموزی تحت عنوان مأموریت رابینسون (Robinson) زد.

نرخ های ثابت نام ناخالص و خالص، سطوح ابتدایی و متوسطه



توضیح: ثابت نام ناخالص، ثابت نام را به صورت درصدی از کل جمعیت در سنّ مدرسه اندازه گیری می کند. ولی ثابت نام خالص، ثابت نام در سنّ مدرسه را به صورت درصدی از جمعیت در سنّ مدرسه محاسبه می کند. بنابراین ثابت نام ناخالص می تواند از ۱۰۰٪ بیشتر شود، اما ثابت نام خالص نمی تواند. تا جایی که دانش آموزان غیرسنّی ثابت نام می شوند، این دو محاسبه می توانند اختلاف داشته باشند.

بازار کار و تأمین اجتماعی

• بازار کار

همان طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، کارگران ونزوئلا با «بازار کار»ی رو به رو هستند که وضعیت آن به مراتب بهتر از یک دهه گذشته است. در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۱۹۸۸، تعداد مشاغل جدید ۲.۹ میلیون افزایش یافت، و یعنی افزایشی در حدود یک سوم. نرخ بیکاری از ۱۱.۳ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۷.۸ درصد در سال ۲۰۰۸ رسید، هرچند در سال ۲۰۰۳ به ۱۹.۲ درصد افزایش یافت، اما پس از آن تا تاریخ مذکور به کمتر از نصف رسید. کیفیت مشاغل، بر حسب اشتغال در بخش رسمی نیز طی این دوره افزایش قابل توجهی داشته است. در سال ۱۹۹۸، ۴۵.۴ درصد از نیروی کار در بخش رسمی اشتغال داشت، در حالی که این رقم برای سال ۲۰۰۸ به ۵۱.۸ درصد (نیمی از نیروی کار) افزایش یافت. طی این دوره، بخش عمده رشد مشاغل در بخش خصوصی بوده است، اما هر دو بخش از آهنگ رشد نیروی کار

پیشی گرفته است: دهه مذکور شاهد افزایش ۴۷.۲ درصدی در مشاغل بخش عمومی و افزایش ۳۰.۶ درصدی در مشاغل بخش خصوصی بوده است.

به علاوه، نرخ اشتغال (اشتغال به عنوان درصدی از نیروی کار) نیز طی دوره انبساط اقتصادی، از ۸۰.۸ به ۹۲ درصد افزایش داشته است. اگر بررسی را از سال ۱۹۹۹ با نرخ اشتغال ۸۸.۷ درصد آغاز کنیم، می بینیم که این بهبود بسیار کم-تر، ولی همچنان قابل توجه بوده است. در مجموع، شاخص های بازار کار، با هر مقایسه ای که صورت گیرد، نشان دهنده بهبود پایدار در طول دوره زمامداری چاوز هستند. این شاخص ها با کاهش فقر بر حسب درآمد نقدی نیز سازگار و منطبق می باشند.

جدول ۴

اشتغال و بیکاری، ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸.

	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
به هزار نفر											
نیروی کار	۹۶۹۹.۳	۱۰۲۵۹.۲	۱۰۱۶۳.۹	۱۰۵۷۶	۱۱۳۶۹	۱۱۷۹۳.۵	۱۲۰۳۶.۳	۱۱۹۳۶.۵	۱۲۰۵۶.۳	۱۲۲۱۱.۸	۱۲۴۳۳.۹
کل افراد شاغل	۸۶۰۵.۱	۸۶۹۱.۴	۸۶۸۲.۷	۹۱۲۳.۵	۹۶۱۱.۷	۹۵۲۴.۸	۱۰۰۳۵.۷	۱۰۳۴۴.۱	۱۰۷۸۳.۲	۱۱۰۹۲.۱	۱۱۴۶۹.۶
به تفکیک بخش:											
عمومی	۱۴۰۲.۶	۱۳۴۸.۲	۱۳۵۲.۸	۱۳۷۸.۴	۱۳۶۴.۸	۱۳۷۱.۳	۱۴۹۱.۷	۱۶۳۳.۶	۱۸۰۴.۸	۱۹۳۰	۲۰۶۴.۵
خصوصی	۷۲۰۲.۵	۷۳۴۳.۳	۷۳۲۹.۹	۷۷۴۵.۱	۸۲۴۶.۹	۸۱۵۳.۴	۸۵۴۴	۸۷۱۰.۶	۸۹۷۸.۴	۹۱۶۲.۱	۹۴۰۵.۱
به تفکیک اقتصاد:											
رسمی	۴۴۰۳.۹	۴۲۵۳.۷	۴۱۱۰.۹	۴۴۹۱.۹	۴۷۵۲.۵	۴۵۲۸.۸	۴۹۲۳.۲	۵۳۸۷.۱	۵۸۵۳.۴	۶۲۲۲.۷	۶۴۴۵.۹
غیر رسمی	۴۱۴۷.۴	۴۴۳۵	۴۵۶۵.۷	۴۶۳۰	۴۸۵۶.۱	۴۹۸۸.۴	۵۱۰۸.۸	۴۹۲۴.۲	۴۹۲۹.۷	۴۸۶۹.۴	۵۰۲۳.۷
درصد از نیروی کار											
نیروی کار	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کل افراد شاغل	۸۸.۷	۸۴.۷	۸۵.۴	۸۶.۳	۸۴.۵	۸۰.۸	۸۳.۴	۸۶.۷	۸۹.۴	۹۰.۸	۹۲.۲
به تفکیک بخش:											
عمومی	۱۴.۵	۱۳.۱	۱۳.۳	۱۳	۱۲	۱۱.۶	۱۲.۴	۱۳.۷	۱۵	۱۵.۸	۱۶.۶
خصوصی	۷۴.۳	۷۱.۶	۷۲.۱	۷۳.۲	۷۲.۵	۶۹.۱	۷۱	۷۳	۷۴.۵	۷۵	۷۵.۶
به تفکیک اقتصاد:											
رسمی	۴۵.۴	۴۱.۵	۴۰.۴	۴۲.۵	۴۱.۸	۳۸.۴	۴۰.۹	۴۵.۱	۴۸.۶	۵۱	۵۱.۸
غیر رسمی	۴۲.۸	۴۳.۲	۴۴.۹	۴۳.۸	۴۲.۷	۴۲.۳	۴۲.۴	۴۱.۳	۴۰.۹	۳۹.۹	۴۰.۴
بیکاری	۱۱.۳	۱۵.۳	۱۴.۶	۱۳.۷	۱۵.۵	۱۹.۲	۱۶.۶	۱۳.۳	۱۰.۶	۹.۲	۷.۸

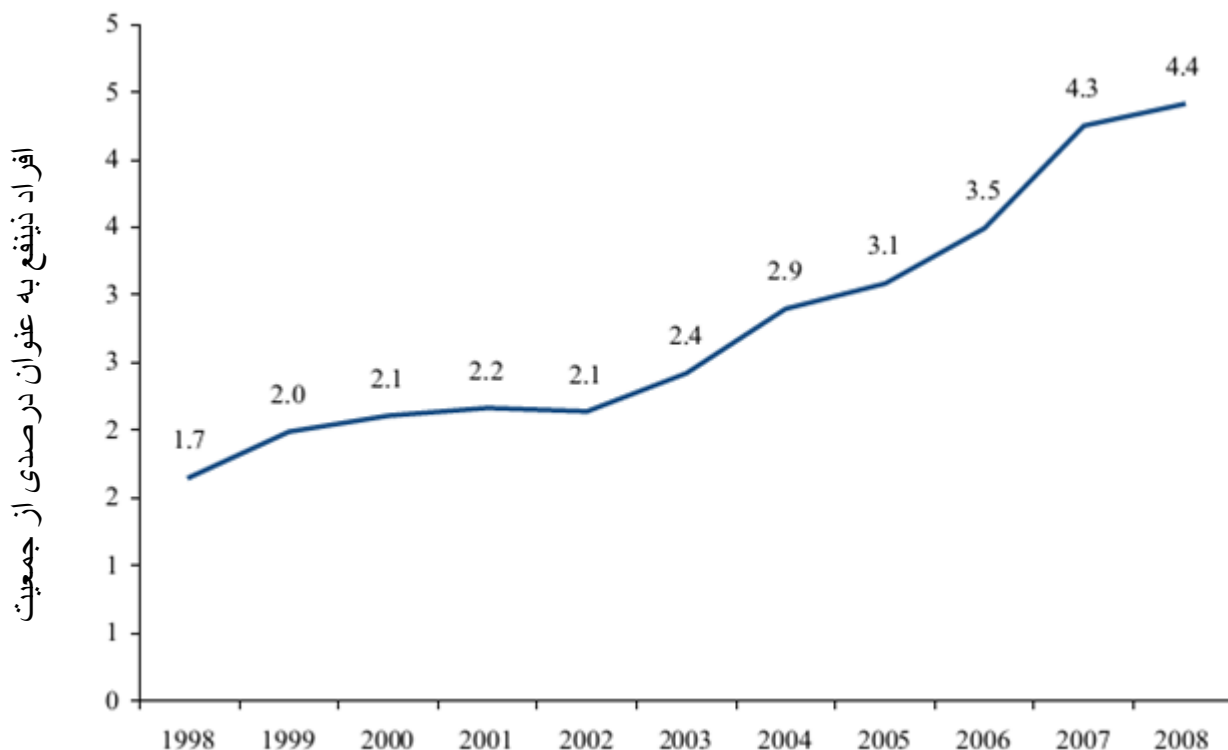
• تأمین اجتماعی

همان طور که در نمودار ۸ مشاهده می شود، برنامه های تأمین اجتماعی، وسیعاً دامنه حمایت از افراد زیر سن کار، بیوه، یتیم یا ناتوان از انجام کار به دلیل معلولیت را گسترش داده است. دامنه شمول برنامه های مزایای کهولت سن، از کارافتادگی و بازماندگان (اعضای خانواده کارگر متوفی در اثر سوانح کار)، از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸، بیش از دو برابر شده است. همان طور که مشاهده می شود، این رقم برای کل جمعیت، طی دوره مزبور، از ۱.۷ به ۴.۴ درصد رسیده است. عملکرد تأمین

اجتماعی نیز مانند سایر شاخص ها، در آغاز دورهٔ چاوز آهسته بود، عملاً اندکی طی اعتصاب نفت سقوط کرد، و سپس از سال ۲۰۰۳ (یعنی بهبود وضعیت ونزوئلا از اعتصاب نفت و کنترل دولت بر بخش نفتی) به رشد بسیار سریعی دست یافت.

نمودار ۸

درصد افراد برخوردار از مزایای کهولت سن، از کار افتادگی و بازماندگان



مالیه دولت و حساب جاری

درآمدهای دولت اساساً از قیمت های رو به صعود نفت تا سال ۲۰۰۷ منتفع شده بود؛ قیمت های جهانی نفتی از به طور متوسط ۱۹.۳ دلار به ازای هر بشکه به ۹۹.۷ دلار در سال ۲۰۰۸ افزایش یافت. با این حال باید گفت که درآمد بخش غیرنفتی نیز نسبت به تولید ناخالص داخلی، از رشد قابل ملاحظه ای در طول این یک دهه برخوردار بود؛ به طوری که از ۱۱.۷ درصد GDP در سال ۱۹۹۸ به ۱۴.۲ درصد در سال ۲۰۰۷ رسید. این امر به دلیل بهبود مالیات سبتانی بود.

در جدول ۵، درآمد و هزینه نمایش داده شده است. همان طور که ملاحظه می شود، درآمد از ۱۷.۴ درصد GDP در سال ۱۹۹۸ به ۲۸.۷ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است. هزینه و مخارج نیز افزایش داشته، و طی این دوره از ۲۱.۴ به ۲۵.۷ درصد GDP رسیده است. دولت ونزوئلا در سال ۲۰۰۷ با **مازاد مالی** به میزان ۳ درصد GDP رو به رو بود.

البته باید خاطر نشان کرد که همهٔ هزینه های دولت در این ارقام مربوط به مالیه دولت مرکزی لحاظ نشده است. بخش اعظم هزینه های دولت، به خصوص در سال های پایانی دورهٔ مورد بررسی، مستقیماً از سوی PDVSA صورت گرفته است. به عنوان مثال در ۳ سه ماههٔ نخست سال ۲۰۰۸ (ژانویه تا سپتامبر)، مخارج عمومی شرکت PDVSA به ۱۳.۹ میلیارد دلار یا ۶.۱ درصد GDP می رسید.

ضمناً سرانه هزینه اجتماعی واقعی (تعدیل شده با تورّم) از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶، بیش از سه برابر شده بود.

در طول این یک دهه، کلّ بدهی عمومی دولت از ۳۰.۷ درصد GDP به ۱۴.۳ درصد و بدهی عمومی خارجی نیز با کاهشی به مراتب بیشتر، از ۲۵.۶ به ۹.۸ درصد از GDP تنزل پیدا کرده است.

جدول ۵.

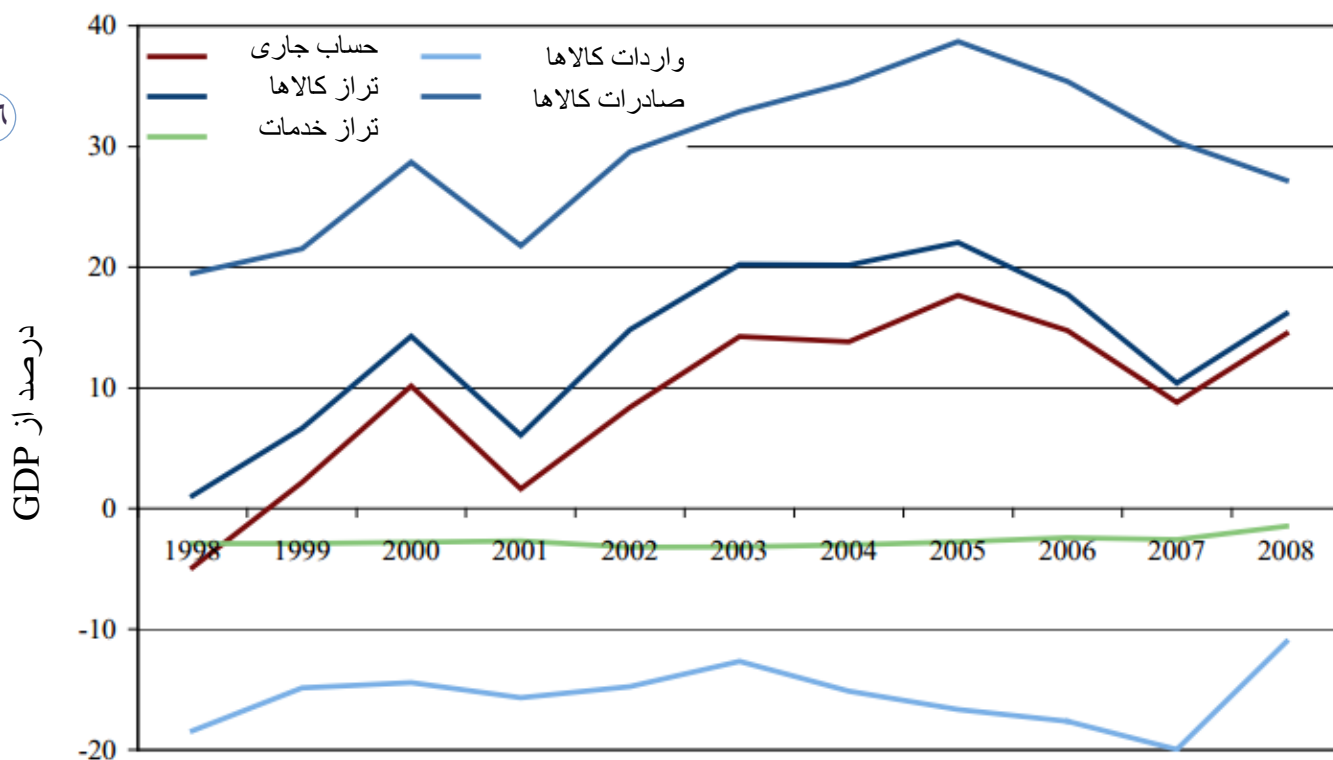
مالیه دولت مرکزی (به عنوان درصدی از GDP)

۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	
۲۸.۷	۳۰	۲۷.۷	۲۴	۲۳.۴	۲۲.۲	۲۰.۸	۲۰.۲	۱۸	۱۷.۴	درآمد کل
۲۵.۷	۳۰	۲۶	۲۵.۹	۲۷.۸	۲۶.۱	۲۵.۱	۲۱.۸	۱۹.۸	۲۱.۴	مخارج کل و خالص وام دهی
۱۹.۵	۲۲.۲	۱۹.۱	۱۹.۶	۲۰.۸	۱۹.۱	۱۹.۳	۱۷.۵	۱۶.۴	۱۶.۷	مخارج جاری
۵.۸	۶.۷	۵.۸	۵	۵.۵	۵.۱	۴.۴	۳.۳	۳	۴	مخارج سرمایه ای
۰.۴	۱.۱	۱.۱	۱.۳	۱.۵	۲	۱.۵	۱	۰.۴	۰.۷	مخارج خارج از بودجه و خالص وام دهی
۴.۵	۲.۱	۴.۶	۱.۸	۰.۳	۰.۶	-۱.۵	۰.۹	۱	-۱.۴	تراز مقدماتی
۳	۰.۰	۱.۶	-۱.۹	-۴.۴	-۴	-۴.۴	-۱.۷	-۱.۷	-۴	تراز کلی
-۳	۰.۰	-۱.۶	۱.۹	۴.۴	۴	۴.۴	۱.۷	۱.۷	۴	تأمین مالی
-۱.۴	-۱.۳	-۲.۵	-۰.۷	۳.۳	۳.۱	۴	۴	۲.۸	۲.۸	تأمین مالی داخلی
										تأمین مالی خارجی

جدول ۶

حساب جاری و بدهی عمومی ناخالص، به عنوان درصدی از GDP

	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
حساب جاری	-۴.۹	۲.۲	۱۰.۱	۱.۶	۸.۴	۱۴.۲	۱۳.۸	۱۷.۷	۱۴.۷	۸.۸	۸.۸
تراز تجاری در کالاها	۱.۰	۶.۶	۱۴.۳	۶.۱	۱۴.۸	۲۰.۲	۲۰.۲	۲۲.۰	۱۷.۸	۱۰.۴	۱۶.۲
صادرات، فوب	۱۹.۵	۲۱.۵	۲۸.۷	۲۱.۸	۲۹.۶	۳۲.۹	۳۵.۳	۳۸.۷	۳۵.۴	۳۰.۴	۲۷.۲
نفتهی	۱۳.۴	۱۷.۲	۲۳.۹	۱۷.۷	۲۳.۸	۲۶.۶	۲۹.۳	۳۳.۴	۳۱.۷	۲۷.۵	۲۵.۵
غیر نفتهی	۶.۱	۴.۳	۴.۸	۴.۰	۵.۸	۶.۳	۶.۰	۵.۳	۳.۷	۲.۹	۱.۷
وارات، فوب	-۱۸.۴	-۱۴.۹	-۱۴.۴	-۱۵.۷	-۱۴.۸	-۱۲.۷	-۱۵.۱	-۱۶.۷	-۱۷.۶	-۲۰	-۱۱
نفتهی	-۱.۶	-۱.۵	-۱.۵	-۱.۵	-۱.۴	-۱.۶	-۱.۶	-۱.۷	-۱.۵	-۱.۹	-۱.۱
غیر نفتهی	-۱۶.۸	-۱۳.۴	-۱۳	-۱۴.۲	-۱۳.۳	-۱۱	-۱۳.۶	-۱۵	-۱۶.۱	-۱۸.۱	-۱۰
تراز تجاری در خدمات	-۲.۹	-۲.۹	-۲.۸	-۲.۷	-۳.۲	-۳.۲	-۳	-۲.۸	-۲.۴	-۲.۶	-۱.۵
بدهی عمومی ناخالص											
کل	۳۰.۷	۲۹.۶	۲۷.۷	۳۰.۷	۳۹.۹	۴۷.۸	۳۸.۵	۳۲.۸	۲۳.۹	۱۹.۳	۱۴.۳
خارجی	۲۵.۶	۲۳.۲	۱۸.۶	۱۸.۴	۲۴.۹	۲۹.۹	۲۴.۴	۲۱.۷	۱۴.۸	۱۲	۹.۸
داخلی	۵.۱	۶.۵	۹.۱	۱۲.۴	۱۵	۱۷.۹	۱۴	۱۱.۱	۹.۱	۷.۴	۴.۵



تورم و نرخ مبادله ارز

نمودار ۱۰، نرخ تورم را در هر ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل در طول یک دهه نشان می دهد که بر حسب تغییرات شاخص بهای مصرف کننده (CPI) در کاراکاس اندازه گیری می شود. زمانی که چاوز رسماً دوره ریاست جمهوری خود را آغاز کرد، تورم در سطح ۲۹.۵ درصد قرار داشت. این نرخ در طول سه سال بعدی به ۱۲.۳ درصد سقوط کرد، سپس در نتیجه ضربه اعتصاب نفت به اقتصاد کشور، با سیری صعودی به نقطه اوج ۳۸.۷ درصد در فوریه ۲۰۰۳ رسید. پس از اتمام اعتصاب در این ماه، اقتصاد با سرعت بسیار رشد کرد، در حالی که تورم با کاهش تندی به نقطه حداقل ۱۰.۴ درصد در ماه مه ۲۰۰۶ رسید. سپس نرخ تورم جهشی صعودی را آغاز کرد، به استثنای روند نزولی از فوریه تا دسامبر ۲۰۰۷، و بدین ترتیب به نقطه اوج ۳۶ درصد در سپتامبر ۲۰۰۸ رسید و سپس نهایتاً به ۳۲ درصد کاهش یافت.

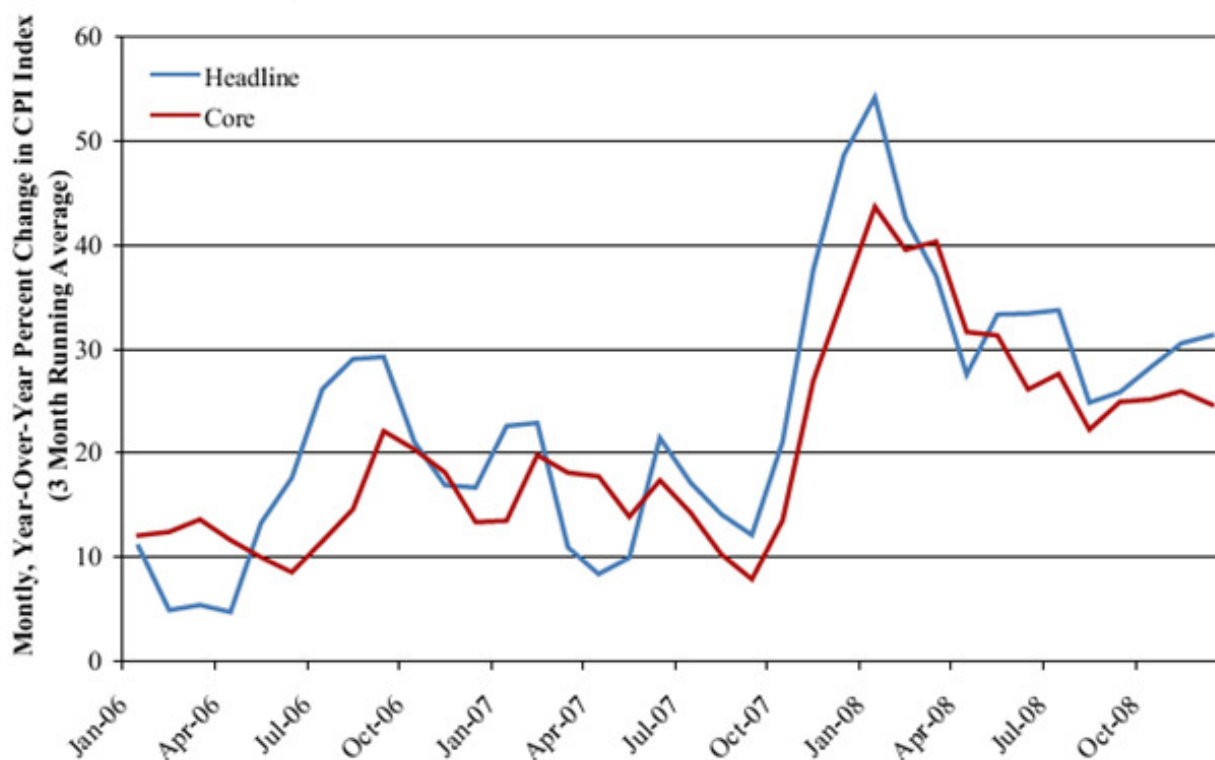
نرخ تورم ماهانه و نزوئلا، بهای مصرف کننده (منطقه کلان شهر کاراکاس)



با این حال ارقام تورم هر ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل، تصویری تقریبی از روند موجود نشان می دهد. برای تصویر دقیق تر بهتر آن است که از بازه های سه ماهه استفاده شود و به علاوه اقلامی مانند سوخت و مواد غذایی را از تورم کلی خارج کنیم و به تورم مبنا برسیم. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که قیمت های مواد غذایی و سوخت طی ۱۵ ماه، از آوریل ۲۰۰۷ تا ژوئیه ۲۰۰۸، دستخوش افزایش ناگهانی تندی شدند، و سپس سریعاً کاهش یافتند.

همان طور که در نمودار ۱۱ می توان ملاحظه کرد، تورم کلی در ونزوئلا در سال منتهی به ژوئیه ۲۰۰۸، به طور متوسط ۳۳.۷ بود، در حالی که تورم مبنا به طور متوسط به ۲۸.۷ درصد در همان دوره می رسید. هر دو رقم به طور قابل ملاحظه ای بالاتر از سطوح دو سال پیش خود بوده اند (یعنی به ترتیب ۱۷.۲ و ۱۶.۵ درصد). با این حال می بینیم که طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، تورم در نیمه نخست سال ۲۰۰۸ متمرکز شده و به طور قابل ملاحظه ای در نیمه دوم فروکش کرده بوده است. متوسط تورم کلی (بر حسب میانگین متحرک سه ماهه) در ژانویه ۲۰۰۸ به اوج رسید (۵۴.۳ درصد) و در طول سه ماه منتهی به دسامبر تنها ۳۱.۴ درصد بود. تورم مبنا نیز در سطح ۴۳.۸ درصد در طول سه ماه منتهی به ژانویه اوج گرفت، ولی در ماه دسامبر در سطح ۲۴.۷ ایستاد. هرچند این نرخ تورم در سال ۲۰۰۸ به مراتب بالاتر از دو سال گذشته خود بوده، ولی بنا به معیارهای تاریخی ونزوئلا هنوز پایین محسوب می شده و در هر حال تهدید جدی و مستقیمی علیه رشد اقتصادی این کشور نبوده است.

تورم کلی (Headline) و مبنا (Core)، ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ (بر حسب میانگین متحرک سه ماهه)



جدی ترین مشکلی که تورم برای ونزوئلا داشته است این بوده که به دلیل نظام نرخ ثابت ارز، تورم نهایتاً به ارزش گذاری بیش از حد نرخ حقیقی مبادله ارز منجر شد (در فوریه ۲۰۰۳، یعنی زمانی که دولت کنترل بر ارز خارجی را اجرا کرد، نرخ مبادله دلار- بولیوار در سطح ۱۶۰۰ بولیوار ونزوئلا ثابت بود). ارزش غیر متعارف نرخ مبادله ارز، مشکلی بوده است که برای دنبال کردن استراتژی توسعه بلندمدت اقتصاد و فاصله گرفتن از اتکا به نفت، باید مورد بررسی قرار می گرفت. چرا که ارزش غیرمتعارف و بالاتر ارز، توسعه بخش غیرنفتی، صادرات و واردات بخش های رقیب، و به ویژه تولید و ساخت کالا را تضعیف می کند. در این حالت واردات به شکلی مصنوعی ارزان و صادرات کشور در بازارهای جهانی گران تر می شود، بنابراین کالاهای قابل تجارت کشور چه در بازارهای داخلی و چه در بازارهای جهانی در معرض تهدید و آسیب قرار می گیرد. همان طور که در داده های مربوط به رشد اقتصادی (به تفکیک بخش ها) مشاهده شد، بخش تولید و ساخت کالا (مانوفاکتور) رشد نکرد (رشد این بخش در سال ۲۰۰۸ شدیداً سقوط کرده بود) و این یکی از مشکلات بلندمدت مهم و جدی برای توسعه است. شاید بتوان گفت که ارزش گذاری بیش از حد نرخ مبادله ارز به میزانی بالاتر از نرخ تعادلی بازار، در سقوط این بخش تأثیر داشته و احتمالاً رشد کلی این بخش را نسبت به سایر بخش های اقتصاد در طول دوره انبساط اقتصادی محدود کرده است. به علاوه انحراف ها و ناکارایی ها در ارتباط با نظام کنترل ارز و بازار موازی نیز وجود داشته است. با این حال نرخ مبادله گران ونزوئلا طی این دوره، مانند موارد آرژانتین، برزیل یا روسیه در دهه ۱۹۹۰، به یک تهدید جدی تبدیل نشد.